



نگاهی به اختلافات دو تصحیح مختلف از اثر فردوسی، در ضبط چندبیت

«روشن زمانه» یا «فسون و بهانه»؟

شریف شیرزاد

همه ما -بیش و کم- درباره تصحیح متن، و از آن جمله تصحیح «شاهنامه»، چیزهایی می‌دانیم. از کتاب فردوسی چندین تصحیح در دست است که دست‌کم نزد عموم- دوتا از آن‌ها شناخته‌ترند: تصحیح مشهور به «چاپ مسکو» (از پژوهشگران بنیاد شرق شناسی فرهنگستان علوم روسیه) و تصحیح جلال خالقی مطلق. تصحیح نخست که ۵۰-۶۰ سال قدمت دارد و برپایه نسخه کتابخانه لندن (۶۷۵ هجری قمری) است- دبیرمانی، اگر نه بهترین، مشهورترین چاپ «شاهنامه» بود. اما از حدود ۴۰ سال پیش که خالقی مطلق کار تصحیح تازه‌ای از کتاب فردوسی را-براساس نسخه‌ای نویافته، اما کهن‌تر مشهور به نسخه کتابخانه فلورانس (۶۱۴ هجری قمری)- آغاز کرد. تا امروز این تصحیح است که بهترین نسخه چاپی «شاهنامه» به شمار می‌آید. می‌دانیم که مهم‌ترین تفاوت تصحیح‌های مختلف از یک متن واحد کهن در ثبت وضبط لغات است. و آن دو نسخه «شاهنامه» هم‌دراین زمینه با هم فرق دارند. برای دیدن برخی از این تفاوت‌ها، دو روایت بیت‌های آغازین یکی از بخش‌های «شاهنامه» را در کنار هم گذاشته‌ایم.

● چاپ جلال خالقی مطلق

گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه

سخن هرچه گویم همه گفته‌اند بر باغ دانش همه ژفته‌اند اگر بر درخت برومند جای نیابم که از بردن نیست پای توانم مگر پایگه ساختن بر شاخ آن سرو سایه فکن کسی کاو شود زیر نخل بلند همان سایه زو بازدارد گزند از این نامورنامه شهریار بمانم به گیتی یکی یادگار تو این را دروغ و فسانه بدان به یکسان روشنی زمانه بدان از او هرچه اندرخورد با خزد دگر بر ره رمز معنی بزد

● چاپ مسکو

گفتار اندر فراهم آوردن کتاب

سخن هرچه گویم همه گفته‌اند بر باغ دانش همه ژفته‌اند اگر بر درخت برومند جای نیابم که از بردن نیست رای کسی کاو شود زیر نخل بلند همان سایه زو بازدارد گزند توانم مگر پای‌ای ساختن بر شاخ آن سرو سایه فکن کز این نامورنامه شهریار به گیتی بمانم یکی یادگار تو این را دروغ و فسانه بدان به رنگ فسون و بهانه بدان از او هرچه اندرخورد با خزد دگر بر ره رمز و معنی بزد



درباره رمان «اطلس قاره‌های مه‌آلود»، از احسان اُکتای آثار

قسططنیه؛ تخیل و تاریخ و افسانه و فلسفه

خادم

«اطلس قاره‌های مه‌آلود» نخستین اثرنویسنده ترک، احسان اُکتای آتار، است. رمانی که سال ۱۹۹۵ منتشر شد و از زمان انتشار مورد توجه قرار گرفت. در ترکیه بارها تجدید چاپ شد و به زبان‌های مختلف، ازجمله انگلیسی، فرانسوی و مجارستانی، درآمد. و اکنون به فارسی نیز ترجمه شده است.

این رمان از منظری متفاوت به امپراتوری عثمانی می‌پردازد و می‌گوید که تاریخ عثمانی محدود به جنگ‌ها و فتوحات نیست، بلکه مردمان بسیاری، از ملل، فرهنگ‌ها و مذاهب رنگارنگ، در سرزمین‌های پهناور این امپراتوری زندگی می‌کرده‌اند که خود شایسته توجه‌اند.

آن‌طورکه ناشر پشت جلد کتاب آورده است: «داستان 'اطلس قاره‌های مه‌آلود' از یک سو سخت وامدار غرائب 'هزارویک شب' است، و ازسوی دیگر یادآور جهان پرزاورمز بورخس، اجزای ناهمگون این داستان غریب، به لطف افسون قلم خالق آن، چنان درهم تنیده‌اندکه همچون دالان‌های هزارتویی طلسم‌شده هریک به دیگری راه می‌برد. قدقدرتانی پرده‌نشین در جست‌وجوی کشف رازی هول‌انگیز، فرودستانی زخم‌خورده در تقلاي انتقام، رازدانانی خاموش، کودکانی اعجوبه، گدایانی معجزه‌گر، مقنیان‌ی جان‌برکف و دژخیمانی پوشیده‌روی. این کتاب، به رغم شباهت به حکایات شیرین شهرزاد، از کابوسی پرده‌برمی‌دارد که هنوز هم خواب بشر را برمی‌آشوبد. نیز از کوشش کاشفانی که با شمع‌ی برافراشته در دل ظلمت به دنبال حقیقت می‌گردند.»

آیدین اخوان، مترجم این اثر، درباره اینکه چرا این کتاب را برای ترجمه انتخاب کرده، در یادداشتش بررمان، نوشته‌است: «تشابهات فرهنگی و زبانی و تجربیات تاریخی مشترک دو ملت ایران و ترکیه مرابه این نتیجه‌رساند که به احتمال فراوان خواننده فارسی‌زبان، بیش از هرکس دیگری، می‌تواند با جهان وهم‌آلود و خیال‌انگیز این کتاب خو بگیرد و با آن زندگی کند.»

● درباره نویسنده

احسان اُکتای آتار ۲۱ نوامبر ۱۹۶۰ در استانبول به دنیا آمد. عشق کتاب بود، و سرانجام به خاطر فرار از مدرسه و رفتن به کتابخانه، از دبیرستان اخراج شد. البته او به مدرسه بازگشت و کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری فلسفه را گرفت و همین رشته را سال‌ها در دانشگاه‌های ترکیه تدریس کرد. آثار اُکتای آمیزه‌ای است از تخیل و تاریخ و افسانه و فلسفه. از این نویسنده، تاکنون، هشت رمان منتشر شده است. او، علاوه بر نوشتن، ترجمه هم می‌کند. اُکتای، در سال ۲۰۰۹، برنده جایزه «اردال آُر» در ترکیه شد (جایزه‌ای به یاد نویسنده‌ای به همین نام که بعدها به نویسندگانی همچون اورهان یاموک نیز تعلق گرفت).

«اطلس قاره‌های مه‌آلود»، نوشته احسان

اُکتای آثار ترجمه آیدین اخوان، نشر مد، ۱۴۰۳، ۲۱۶ صفحه، ۴۰۰ هزار تومان.

معرفی «دیده‌ور» که رمانی زندگی‌نامه‌ای درباره جاحظ است

«مردم دیده روشنایی»*



احمد آفتابی، استاد دانشگاه «دیده‌ور» یک رمان تاریخی است راجع به زندگی جاحظ، ادیب و سخن‌شناس بزرگ عرب، و-به قول معروف- «پادشاه نثر عربی» که حدود سال ۱۶۰ هجری قمری در محله بنی‌کنانه بصره به دنیا آمد و ۹۵ سال بعد، در همان شهر، دیده از جهان فرو بست. او که به جرئت می‌توان گفت یکی از کتاب‌دوست‌ترین شخصیت‌های تاریخ است، در اواخر عمر پُرپرکتش، دیگر توان حرکتی چندانی نداشت و-بنابه روایتی مشهور- زیر آوار کتاب‌های کتابخانه عظیم و باشکوهش جان داد. در این جستار، به هفت نکته پیرامون این رمان اشاره خواهیم کرد.



می‌گوید: «علم دوستی خودت را برابرم وصف کن.» و جاحظ با صدایی رسا پاسخ می‌دهد: «دانش را دوست می‌دارم، چونان عشق مادر به فرزند دلبند، شوق مسافر به بازگشت، و تشنه بی‌تاب به آب زلال و ناب.» (صفحه ۳۸) و استاد در ادامه چنین می‌گوید: «پسر! به خدا که تو سخنوری، و ما بیشتر نیاز داریم که از تو بیاموزیم.» پاسخ جاحظ-که عجیب یادآور این مصراع درخشان از قیصر امین پور است که «می‌جویمت چنان‌که لب تشنه آب را»- هم در اصل عربی پس ادیبانه و زیباست (به‌گونه‌ای که استادی چون خلیل بن احمد را شگفت زده می‌کند) و هم در ترجمه هنرمندانه مترجم محترم، با سجع ایجاد شده بین واژه‌های «فرزند» و «دلبند»، و همچنین «تاب» و «آب» و «ناب».



احمد آفتابی:
خلیل بن احمد به جاحظ می‌گوید: «علم دوستی خودت را برابرم وصف کن.» و جاحظ با صدایی رسا پاسخ می‌دهد: «دانش را دوست می‌دارم، چونان عشق مادر به فرزند دلبند، شوق مسافر به بازگشت، و تشنه بی‌تاب به آب زلال و ناب.»

خلیل بن احمد مدتی بعد وفات می‌یابد. در

مراسم تدفینش، چشم جاحظ جوان به دختر او، ثُمَاضِر، می‌افتد و گرفتار دام «عشق در نگاه نخست» (Love in one sight) می‌گردد، و چقدر جالب است که نام یکی از شخصیت‌های مهم رمان «درخت نخل و همسایه‌ها»، نیز «ثُمَاضِر» است، رمانی به قلم نویسنده معاصر عراقی، غائب لعمه فرمان، که در جوانی کتاب «البیان والتبیین» جاحظ را، به همراه سه کتاب مهم و کلاسیک دیگر ادبیات عرب، عمیق و دقیق خوانده بود، و چه جالب و هوش‌رُیاست این ارتباطاتِ ظریف و لطیف در عالم ادبیات!

زبان به کاررفته در نگارش رمان، به شکلی کاملاً هدمفند و عامدانه، زبانی فاخر و ادیبانه است، چراکه شخصیت اصلی این داستان تاریخی، یکی از بزرگ‌ترین ادیبان و نثرنویسان عرب است، و -ازنظر تاریخی- یکی از نخستین نویسندگانی که به «نثر عربی» نیز، درکنار «شعر عربی» که پیشینه‌ای درخشان‌تر داشت، هویتی تازه و ارزشمند بخشید. (بلا تشبیه، مشابه بیهقی خودمان که بنای رفیع منشورش را پس از کاخ بلند و منظوم فردوسی

برافراشت.) منطق خُکم می‌کند که داستان پیرامون زندگی یک ادیب ادیبانه نوشته شود، و خوشبختانه، این ویژگی، با تلاش‌های ستودنی مترجم محترم، که تسلطشان بر هر دو زبان مبدأ و مقصد کاملاً هویداست، به خوبی و به شکلی هنرمندانه، به متن ترجمه شده رمان نیز انتقال یافته است. به عنوان نمونه، به این جمله در صفحه ۵۴ و سجع ظریف بین دو واژه «لطیف» و «ردیف» عنایت فرمایید که نمونه‌ای است از انواع ظرایف زبانی به کاررفته در ترجمه: «[او دلیل‌هایی بر وجود خدایی واحد] لطیف ردیف کرد.»

جاحظ در زمانه‌ای می‌زیسته که شهر بصره محل تدریس و تحصیل هفتصد عالم و یازده هزار شاگرد بوده است. (صفحه ۶۹) همچنین، بغداد تصویرشده در رمان نیز، که در زمانه پس از آغاز نهضت ترجمه و تأسیس دارالحکمه واقع است، شهری است به شدت فرهنگی و- مشابه بصره آن زمان- محل تضارب آرا و افکار. جلسات بحث و مناظره تشریح شده در کتاب، که یکی از نقاط قوت آن است- انصافاً غیبطه برانگیز است.

نویسنده رمان، در مقدمه‌ای که برای ترجمه فارسی کتاب نوشته است، می‌گوید: «من این رمان را در سال ۲۰۱۸ به منظور معرفی جاحظ به 'جوانان عرب‌زبانی' که بین آن‌ها و ادبیات کهن عرب فاصله افتاده بود' منتشر کردم و بدین وسیله می‌خواستم این نویسنده نکته سنج عرب را به آن‌ها معرفی کنم.» (صفحه ۱۳) هرچند در زبان فارسی نیز رمان‌های تاریخی درخشانی پیرامون شخصیت‌های ادبی خودمان داریم (یکی از بهترین نمونه‌های آن کتاب «حافظ ناشنیده پند» ایرج پزشک‌زاد، خالق «دایی جان ناپلئون» است)، همچنان جای این‌گونه رمان‌ها برای «جوانان فارسی‌زبانی» که بین آن‌ها و ادبیات کهن فارسی فاصله افتاده است» خالی است.

* از این بیت حافظ است که «سلامی چو بوی خوش آشنایی/ بدان مردم دیده روشنایی».

«دیده‌ور»، نوشته احمد فال‌الدین، ترجمه محمدرضا مروارید، نشر هرمس، ۱۴۰۳، ۳۴۶ صفحه، ۲۹۶ هزار تومان.

قیمت کتاب تازه‌نشر «گمان» بحث‌برانگیز شده است

کمی بیشتر از چند برگ کاغذ

کامیابیان باهمراهی گردآورنده و تحریریه نشر گمان صورت گرفته تا هیچ نکته‌ای، حتی در شناسنامه، مغفول نماند. فرم اول و آخر کتاب با غلبه رنگ قرمز و آستربردقه‌های اول و آخر نیز با قرمزی نزدیک به رنگ جلد چاپ شده است. تمام این جزئیات (وبعضی اتفاقات که گفتن ندارد، مثل ساختن چندباره ماکت و نمونه چاپ‌گرفتن برای اطمینان از کیفیت چاپ اسناد و پیچازی نشدن تصویر و ...) هزینه‌هایی دارد که در این میانگین‌گرفتن از کتاب‌های منتشره در تابستان امسال دیده نمی‌شود. مثلاً، می‌توانیم بگوییم جمع این هزینه‌ها حتی هشت-نه میلیون بیشتر از هزینه کاغذ و مقوای روکش جلد و آستربردقه شده است. به عبارتی، استهلاک نیمی از این هزینه‌ها را برای چاپ دوم لحاظ کرده‌ایم که امیدواریم کتاب به آنجا برسد، یعنی در آخر پاییز به چاپ دوم رسیده باشد.

خلاصه، بدون رعایت این ظرافت‌ها هم می‌شود کتاب منتشر کرد، می‌دانیم، ولی فکر می‌کنیم ارجمندی کتاب‌ها و احترام به مخاطب ایجاب می‌کند بیشتر از این‌ها هم برایشان وقت و هزینه صرف کنیم. در بیشتر کتاب‌ها، می‌کوشیم هرچه بلدیم صرف پاکیزه‌تر کردن فارسی و دقت متن ترجمه و روانی نحو و چشم‌نوازی صفحه‌آرایی و خوانایی کتاب کنیم. در صحافی و انتخاب قطع و کاغذ هم حد میانه‌ای را رعایت کنیم که کتاب ماندگار باشد و راحت ورق بخورد و سبک باشد -حالا چه باک که کاغذ خیلی فردالایی نداشته باشد؟! به شهادت این سال‌ها، همیشه چنین کرده‌ایم، ولی کتاب‌هایی مثل این، که مقرر بود جای خالی شهید ثالث را در قامت سینماگری مؤلف و عصبانگر پر کند، می‌طلبید سنگ تمام بگذاریم.



همه این‌ها را گفتیم که به اینجا برسیم: هر کتاب، به جز این هزینه‌های معمول، هزینه‌هایی دارد که اتفاقاً از جنس مواد اولیه مصرفی نیست و ربط خیلی وثیقی با پیراستگی متن و کیفیت تصاویر و نسخه‌پردازی و چشم‌نوازی و تجربه بصری خواننده کتاب دارد. اگر کتاب «نوستالژی جای دیگر» را دیده باشید، متوجه شده‌اید که ویرایش آن، به علت چندگونگی متون (اعم از ترجمه و مصاحبه و اسناد و جزئیات تصاویر و ...)، چندر کار برده است. علاوه بر آن، دیزاین یا آرایش صفحات کتاب متناسب با وفور اسناد و تصاویر و متون و پانویس‌های فراوان طرح ریخته شده است و تقریباً بی‌اغراق هر دو صفحه روبه‌رو براساس ساختاری مدولار از مربع‌های منعطف طراحی شده است. برای متن کتاب، یکی از قلم‌های فارسی به نام «جلال» باز طراحی شد تا با حال و هوای اثر متناسب باشد. ویرایش و آماده‌سازی تصاویر برای چاپ افست، طراحی جلد، دیزاین صفحات، و «سختن» و «امبریکینگ»...

کتاب در استودیو مرکزی و زیرنظر آقای سعید فروتن انجام شده و مراحل متعدد ویرایش و نسخه‌پردازی متن نیز (با سپاس از آقای رامین کریمی‌ان و دکتر محمود حسینی زاد) زیرنظر آقای میلاد

گران‌تر می‌شوند. اما در آن لحظه اولیه‌ی چطور قیمت پشت جلد محاسبه می‌شود؟ شاید در نگاه اول تعداد صفحه و قطع و نوع کاغذ و صحافی و جلد و رنگی بودن کتاب تنها مؤلفه‌های مؤثر به چشم بیایند، اما بیایید همین کتاب «نوستالژی جای دیگر» را مثال بزنیم که چند دوست از قیمتش گلایه کردند.

اول ببینیم در تابستان امسال کتاب‌هایی که با شیوه افست در قطع وزیری و صحافی دوخت و جلد گالینگور روی کاغذ تحریر منتشر شده‌اند، به طور میانگین، هر صفحه چقدر قیمت‌گذاری شده‌اند. به این کار می‌گویند: کشف قیمت از بازار، یعنی، به عبارتی، می‌خواهیم بدانیم اگر این کتاب چقدر می‌بود دوست ما روی میز کتاب فروشی به چشمش گران نمی‌آمد. در میان کانال‌های تلگرامی کتاب فروشی‌های «دی» و «دماوند» و «رشد اهواز» می‌نویسیم: «وزیری گالینگور» و می‌گردیم تا به کتاب‌هایی برسیم که در قطع و صحافی و جلد با کتاب «نوستالژی جای دیگر» همسان‌اند. حالا باید دانست با کاغذ تحریر سفید چاپ‌شده‌اند یا بالکی. چرا مهم است؟ قیمت تحریر سفید بیست درصدی گران‌تر است. خب چاروی همان بالکی معمولی چاپ‌نکرده‌ایم؟ چون کتاب حاوی عکس‌ها و اسناد فراوانی بود که روی بالکی حیف می‌شد. یازده کتاب از چند ناشر مثل «نیلوفر» و «فرزان‌روز» و «ندیس» و «سختن» و «امبریکینگ»... پیدا کردیم که بعضی با کاغذ بالکی هم منتشر شده است و اصلاً دوتای آن‌ها به تعداد کم و دیجیتال منتشر شده‌اند. ولی همه را در جدولی وارد کردیم. چنان‌وع چاپ مهم است؟ چون چاپ افست هزینه مجزایی برای لیتوگرافی و تهیه رنگ دارد که اگر

قیمت‌گذاری کتاب، چنان‌که بارها



در همین صفحه نوشته‌ایم، ریزه‌کاری‌های زیادی دارد که مخاطب هم باید به خوبی از آن‌ها آگاه باشد، اگر نباشد، حتماً دچار سوء برداشت خواهد شد. البته جزئیات این‌کار چندان‌اند که در یک نوشته مختصر نمی‌شود همه‌شان را آورد. اما هیچ فرصتی را هم، اگرچه کوتاه، ناپاست از دست داد. با بحث‌هایی که بر سر قیمت کتاب تازه‌نشر «گمان» در گرفته است، امروز چنین فرصتی دست داده است. منظور کتاب، «نوستالژی جای دیگر: سهراب شهید ثالث» گفته‌ها، نامه‌ها، یادداشت‌ها، است که اخیراً در ۴۴۴ صفحه و به قیمت ۷۵۰ هزار تومان به بازار آمده است و ظاهراً -درمقایسه با میانگین قیمت کتاب که همین قدرش هم داد مخاطبان را درآورده است- بهای معقولی ندارد. چنان‌که در صفحه مجازی نشر گمان، آمده است، برخی، متحیر و متأسف از قیمت این کتاب، به این بنگاه انتشاراتی شکایت برده‌اند، و همین امر ناشر را واداشته است که در این‌باره به تفصیل توضیح دهد. آنچه نشر «گمان» ذیل عنوان «قصه قیمت یک کتاب: 'نوستالژی جای دیگر'» ناظر به این موضوع نوشته است، درباره بسیاری دیگر از کتاب‌ها نیز صدق می‌کند و-جز این- حاوی نکاتی است که تنها برخی از دست‌اندرکاران صنعت چاپ و نشر از آن‌ها آگاه‌اند، بنابراین، خواندن آن برای هر کسی که مخاطب کتاب است جالب و البته آموزنده خواهد بود.

هرکس که قیمت کتاب را وقت خریدن واریسی می‌کند ببیند چقدر منصفانه است شاید برایش جالب باشد بداند این طرف میز چه خبر است. روزی هست که کارهای کتاب (آماده‌سازی متن و تصاویر، صفحه‌آرایی و نسخه‌پردازی، طراحی جلد و تعین نحوه چاپ و صحافی) به سرانجام رسیده و باید پیش از شروع چاپ برای «قیمت پشت جلد» تصمیم گرفت. بگذریم که این اواخر دیگر قیمت از پشت جلد‌ها گریخته یا گاهی ناشر مجبور می‌شود محصولش را متناسب با تورم افزایش قیمت بدهد، مثل همه چیزهایی که این روزها شاهدیم مدام